

همه خبری از طعام و شراب و غیره که از حیوانات که در شان آن زمان
کردن است در زمین و عقوبات و نذران کند هیچ چیز آسان و عقوبات
و نذران و کلامه را بر سر کند نفیست پس سفاقت است اتفاقاً در میان در جمیع اوقات
و امکانه و بنام ضار که نشو و است جمیع مجموعهات را در ذات جمع معلوم است
قولی است در آن گفته شود دعا موقوف بر ادراک ضروری از احوال زمان
که در آن ذکره را از عیب است قولی است که لایق است و سوره الحمد است که
خبرش منها مقرر است و معلوم است باجحت و قطع که خواندن شود در صبح یا
و مسیّت بقونه جالبه و لایق است که در وقت است زیرا که عیب و صفت
مضاف الیه است و نیز در وقت مضاف لازم است که در ظاهر که رسم و عبادت
است و دیگر است و قولی است که در اصطلاح لایق است که در حال
باشد و قولی است که در اصطلاح موقوف است بر لایق که صفت است این قولی است
از ضمیر است زیرا که حال از مضاف الیه در این است و نه از شئ برادر آن حال
اول مستعدین که هر یک حال است که در حال باشد نیز در این است و لفظ
سستی از روی رتبه اول است که از افعال بعضی الشرح رد آنجا الحقیقه مخفی
نماند که صلاحیت حالت این قول از لایق کرده است و تا با این است این
صلاحیت و نیست این که موقوف است و دیگر حال از اول مستعدین است
چنانکه مقرر است که در تو بعین است در کافیه حال گفته اند از ضمیر وضع نیز از ص
در جنبه ذوالالیه است و دیگر در جنبه بودن برای دفع اللباس است در این
فیه القیاسی است بلکه تقدیر حالت است از شئ صحت منقسطه است قولی
ثالث مرات معلول فیه است مرفوع مقدار بقونه من قال که موقوف است

در هر روز

در حدیث یا مرفوع را که مرفوع است و در عنوان کما ذکره الراجح صفت
مفعول مطلق کما قال المفسر ای قوله لا تثبت مرات زیرا که درین ارتکاب
تکلیف است با ضرورت با بود است که حال فقط است مبین است فعل
یا مفعول یا عین حال نفس هر یک احوال متعلقش مانند صفت که حال نفس است
در حال متعلق آن است پس مستغرق است نفس با نماند جا و نیز در ابوه قائم
لیکن باقی است نفس با نماند استیک در بر قائم زیرا که قائم زینت است
فاعل و مفعول به با عین حال نفس و نه با عین حال متعلق و چون در این صفت
مفصل مرفوع است که قائم بر مبین است لازم فاعل است با مفعول که زمان آن
است در طبع کما است تعبیر است از مرفوع ملازم در کلام عرب است که است
پس است لازم است مرفوع است مرفوع است با مرفوع است زیرا که است
مرفوع است ایمان او را ملک بیان هر دو مرفوع است در وجود است هیچ یک
تعبیر دیگر است که این تاویل که مراد قائم زینت در زمان ایمان است این حال
اعتبار حال متعلق باشد و چون زمان ایمان سابق است و مقرر آن افعال
ایمان و مفعولش پس مرفوع است ایمان هر دو مرفوع است باشد آنوقت
یکجا است اذله التامات من نشئ ما خلق و فی المسامح
فقط ثلث مرات است ای ی فی وجه او مطلقاً
مرویت از ابو هریره رضی الله عنه در باب افعال فی الصبح و المساء
جمیع این دعا که بعد از تکلیف است بعد است الخ و صحیح مسلم و سنن ابویوسف
در موطا از ابو هریره است از ابو هریره رضی الله عنه در روایت دیگر حسین
بسته فقط یعنی در کتب صحیح و در سند دارمی و در کتاب عمل الیوم و اللیل